



هشت مارچ روز جهانی بهترین مخلوق را با برنامه شعر خوانی شاعر بانوان بدخشان پاس می داریم.

فرستنده: نوروزشاه همرمزم

مسول انجمن اجتماعی جوانان پامیر در بدخشان

۸ مارچ ۲۰۱۶



نخست به نمایندگی از تمام اعضای محترم انجمن اجتماعی جوانان پامیر مقیم بدخشان روز جهانی زن را برای همه زنان و بخصوص خانم های که این نوشته ام را در سیمای شغنان می خوانند تبریک میگویم.

در قدم بعدی میخواهم چند تن از شاعر بانوان بدخشان را که در همایش شعر خوانی که به استقبال از هشت مارچ از طرف انجمن اجتماعی جوانان پامیر به همکاری ریاست محترم امور زنان بدخشان بر گذار گردید، اشتراک کردند و شعر های زیبای شان را به دکلمه گرفتند معرفی نمایم.

به پاس روز جهانی زن (برگ سبز تحفه درویش) به عنوان هدیه برای بانوان
علاقمند شعر و دوستداران فرهنگ و ادب تقدیم می کنم.



خجسته الهام

خجسته الهام در ماه حوت سال
۱۳۶۶ در شهر فیض آباد ولایت
بدخشان چشم به جهان هستی
گشود و در سال ۱۳۸۹ از دانشکده
علوم اجتماعی دانش گاه کابل سند
فراغت خویش را بدست آورده

است و کتابی را تحت عنوان **دستهایم را به امانت نمی دهم** به چاپ رسانیده که
دارای ۶۲ قطعه شعر در قالب های مختلف است.

نمونه کلام

پشت این کوچه های وحشی شهر

مرگهای مبهم اند می دانی

پشت این کوچه های مبهم شهر

مرگهای مبهم اند می دانی

مرگهاییکه زود می گویند

از گهرگاه جهل و نا دانی

من خودم سالهاست می بینم

روز ها روز های دل تنگ اند

این همه سنگها که دل گشته

باز هم در کنار دل سنگ اند
دو قدم نیست تا نیست تا حباب شدن
مرگها بی درنگ می آیند

رابعه هادی



رابعه هادی درس‌سنة ۱۳۴۷ خورشیدی تولد یافته، تعلیمات ثانوی خویش را در لیسه مخفی به پایان رسانده و بعداً شامل دانشکده ادبیات کابل میگردد. او در سال ۱۳۶۸ سند فراغت را موفقانه بدست می آورد

و به صفت آموزگار در لیسه مخفی مقرر میشود. رابعه سالها در مکاتب مربوطه شهر فیض آباد وظیفه اجرا نموده و فعلاً مدیره لیسه لایاوه بدخشان است.

نوای رود

ز دست جنگ بی مفهوم گردون
طبیعت را شده هستی دگر گون
غریونده نوای رود کوکچه
به گوشم می رسد که آه جیحون
غروب شامگاهان نیست رنگین
شفق را دامنش باشد پر از خون
بجای لاله و حمرا صحرا
زمین گیر گشته است فواره خون

گرفته دل شده آهو به صحرا
چو لیلی از غم بیچاره مجنون
بگو «هادی» سرود صلح و آشتی
چرا هر کس شده با جنگ مفتون

قمر فایض



قمر فایض در سال ۱۳۶۰ پا به عرصه هستی گذاشته و بعد از هفت بهار عمرش شامل لیسه نسوان جرم گردیده و در سال ۱۳۷۷ از آن لیسه فراغت حاصل

می نماید. در سال ۱۳۸۰ به صفت آموزگار در لیسه بهارک تعیین بست می گردد و در با گذشت زمان در مکاتب های مربوطه معارف بدخشان ایفا وظیفه نموده که اکنون هم معلم یکی از دبستانها فیض آباد است. فایض از سال ۱۳۸۲ به سرایشگری رو آورده که تقریباً ۱۰۰ قطعه شعر سروده است.

نمونه کلام

زن هستم خانه را کردم منور
به بزم زنده گی همدوش شوهر
زن هستم همسر هستم خواهر هستم
مقام مادریم نیک بنگر
رضایم را بهشت جاویدان گفت

رسول نیک نام و نیک اختر
اگر چه عاقل و فرزانه هستم
ولی خورشید کنج خانه هستم
به کیش بنده گی مستانه هستم
زن هستم من ز حمد حق سخنور
زن هستم خانه را کردم منور
غلام حلقه در گوشم ندانی
اسیر خانه بر دوشم ندانی
ذلیل و زار و مدهوشم ندانی
ز حرف نا خرد گشتم مکدر
زن هستم خانه را کردم منور
اگر از خانه ام بیرون بر آیم
ز قلب پاک خود یا رب بگویم
پنها او ز حاسدان بجویم
گلی ز عشق پاک او نه بویم
مکن با فاسقان مارا برابر
زن هستم خانه را کردم منور
گلی اندر دبستان بهارم
ز مهر و الفت و عشق است کارم
حیا زنجیر کردم با وقارم
ز باغ جهل من پا بند خارم

ادب را زینتم، کردم مصور
زن هستم خانه را کردم منور
اگر چه رنج غداری کشیدم
چو حرف جهل و چوتاری شنیدم
ز جور دون دبستان را نه دیدم
ولی مردان عالم پروریدم
به ظرافت سرشتم همچو زرگر
زن هستم خانه را کردم منور
زنان هم بنده ذات خدا اند
به مادر بودن شان با وفا اند
چرا از ما سیا سر می تراشند
ولی اندر لطافت ماه و اختر
زن هستم خانه را کردم منور
چرا زن میشود غرقه به دریا
چرا مسموم میگردد به دوا
چرا آتش زند خود را سرا پا
چرا بی عزتی اش شکوه هر جا
مگر مردان نمی ترسند ز داور
زن هستم خانه را کردم منور
چرا زن میشود تحقیر و توهین
چرا هر کار زن است خیلی ننگین

ز طعن دیگران دایم غمگین
بنی اش چون بریده گردد هم سر
زن هستم خانه را کردم منور
به زن گر لطف نمیکرد پاک یزدان
چرا سوره النسا آمد به قرآن
حقوق ما به قرآن است تاوان
به نا حق می شویم پایمال نادان
نمیخواهم از ین گردد فزون تر
زن هستم خانه را کردم منور



شکریه شهرانی

شکریه شاعره جوانی است که به گفته خودش بیست و یک سال پیش در یکی از شهرستانهای خاش بنام شهران دیده بجهان باز نموده است و از صنف دهم به سرایشگری آغاز نمود.

در سال ۱۳۹۰ شامل انستیتوت AKU شده که در جریان تحصیل در رادیو تلویزیون ملی برنامه «کودک» را پیش می برد و هم گرداننده «شعر و ادب» و «جمعه با آمو اف ام» نیز بود.

شکریه یکی از جوانان پر تلاش است که اکنون به صفت معاون موسسه خدمات حرفوی BVWSO می باشد و هم در شفا خانه خصوصی اسد عزیزی نیز کار می کند.

ناله دختر افغان

من از آن دخت افغانم
که اشک دارم به چشمانم
همان اشک پر از خون
سیا میکرد گلستانم
گلستان آروزوهایم
حدر کردی تو رویایم
از آن رویا آزادی
پر از شور و پر از مستی
ندارد چاره این دل
بجز از غصه و غمها
از این غمهای بی پایان
پریشانم پریشانم
ز دست ظلم ظالمان
ز آه و ناله زنان
پریشانم پریشانم